

صبح بخیر دوستان ، موعظه ی امروز از اول یوحنا ۲: ۱۸-۲۷ خواهد بود.
مقدمه: داستان های غم انگیزی وجود دارد که در هر مسیحیت بسیار رایج هستند.
رهبران مسیحی که با استعداد هستند و دانایی زیادی در رابطه با مسیحیت دارند، وسوسه
شده و در این وسوسه ها شکست میخورند. آنها به طور کلی در زمینه پول، اخلاق
، قدرت و آموزه ها سقوط می کنند. تأثیر آن رهبرها بر کلیسای هایی که هدایت می کنند
، و بر روی مسیحیان عادی، بسیار غم انگیز است. مردم ترکیبی از سردرگمی، کفر
، خشم، ناراحتی و خیانت را تجربه می کنند
ما تعجب می کنیم که چگونه گناه می تواند قلب کسی را که خداوند در قلب و روح او
وجود داشته را، جذب کند.

بعضی ها به دنبال جزئیات ریز و کثیف هستند تا بدانند چه اتفاقی افتاده و به طور
"مخفیانه با خود می گویند" خوشحالم که یکی دیگر از رهبران با استعداد سقوط کرد
دیگران در انزجار و خشم عقب نشینی می کنند، مایل نیستند دوباره به رهبران کلیسا
اعتماد کنند.

تعداد بسیاری ایمان خود را مورد سوال قرار می دهند و شک دارند که آیا مسیحیت
درست است.

زمینه: یکی از نکات اصلی اول یوحنا ، اطمینان از اعتقاد ما به حقیقت است، اطمینان
نسبت به آن چیزی که ما به آن ایمان آورده ایم
گذرگاه امروز مت به طور خاصی در مورد زمان هایی است که به اصطلاح رهبران
مسیحی شکست میخورند.
شرح برجسته ای که برای آنها در اینجا استفاده شده به گونه ای شرح ضد مسیحیت
است.

کتاب مقدس می گوید که قبل از برگشت عیسی، مخالفت با خدا در یک فرد به نام دجال
(ضد مسیح) اوج می گیرد
(آیه ی ۱۸ را مطالعه کنید).

چیز گیج کننده ای که برای اولین خوانندگان اول یوحنا وجود داشت این است که ضد
مسیح هایی که مخالف آن ها بودند ، زمانی اشخاصی دوست داشتند و علاقه مند به
کلیسا و اعضای کلیسا بودند . (آیه ی ۱۹ را بخوانید)
اولین خوانندگان احتمالاً احساساتی مشابه به افرادی که این روزها همان چیز را تجربه
می کنند، احساس کرده اند : کافر، خشم، ناراحتی و خیانت
بی نظمی معنوی باعث شد آن ها ایمان خود را زیر سوال ببرند، و نسبت به مسیحیت
شک و تردید پیدا کنند (آیا مسیحیت هنوز هم درست بود) آیا آنها کسانی بودند که گمراه
شدند. آیا آنها هنوز هم مسیحی بودند؟ یوحنا چگونه آنها را اطمینان می دهد و ما را
تأیید می کند؟

(تأیید مسیحیان : آیه ها 20-21، 24-25، 27. 1.

سه تأییدیه و اصل برای مؤمنان وجود دارد

اولین اصل در آیه ی ۲۰ وجود دارد "اما مسیح، شما را با روح القدس خود مسح کرده
است."

افسسیان 13:1 این را به این ترتیب می گذارد: "شما نیز وقتی پیام حقیقت یعنی مژده نجات خود را شنیدید و به او ایمان آوردید، با او متحد شدید و خدا با اعطای روح القدس "که قبلاً وعده داده بود مهر مالکیت خود را بر شما نهاده است
قرننیاں 1: 22-23 این را می گوید: "و خدا مهر مالکیت خود را بر ما گذاشت و 2 روح القدس را به عنوان ضامن همه برکات آینده در دلهای ما نهاد
خدا شاهد است که من از آمدن به قرننس به این دلیل خودداری کردم که مبادا مزاحم 23 شما شوم

را بخوانم V20-21 اجازه دهید من "

، کلمه "مسیح" به معنای "مقدس" است و عیسی مسیح پادشاه پادشاهان است. بنابراین اولین حقیقت و اصل و همان تاییدیه برای ایمانداران ، بسیار عالی است درست همانطور که ضد مسیح های ضعیف تر نسخه های کوچک، از ضد مسیح هایی !قوی تری هستند که در آینده می آیند ، ما نماینده و نسخه های کوچکی از مسیح هستیم شما توسط مسیح با روح القدس خود و به نمایندگی مسیح در جهان مقدس می شوید !این یک امتیاز شگفت انگیز است، درست؟

می گوید که، زیرا شما حقایق V20 .تاییدیه دوم برای مسیحیان، دو امر مرتبط است میگوید، " شما حقیقت را می دانید". شما نه V21 را میبینید، "همه شما دانش دارید" یا به این دلیل که خیلی باهوش هستید و همه چیز را به تنهایی کشف کرده اید، اما به این دلیل که خدا حقایق را برای شما آشکار کرده است و آن را به شما معرفی کرده است همه چیز را میدانید

یوحنا چیزی شبیه به این می گوید: «شما از شکست خوردن برخی از دوستان و رهبران مسیحی محترم خود کاملاً سرگردان و گیج شده اید. آنها شما را به این سوال واداشته اند که حقیقت چیست. نمیدانی به کی اعتماد کنی شما وسوسه می شوید که به «ایمان خود شک کنید. شما می پرسید: «آیا من همیشه در مورد عیسی اشتباه می کردم؟ خوب، دیگر شک نکنید. شما حقیقت را می دانید و دانش را دارید. این تولد شما در «عیسی است که راه، حقیقت و زندگی است

اگر دو اصل اول یعنی - مسح روح القدس و شناخت حقیقت - را کنار هم بگذاریم، ما را به انجیل یوحنا و به زمانی که عیسی وعده داده بود که او و پدر، روح القدس را خواهند فرستاد، باز می گرداند: «وقتی روح راستی می آید، او شما را به حقیقت هدایت خواهد کرد.» (یوحنا ۱۶ آیه ۱۳) پس در دل خود مطمئن باشید و به خداوند خود یعنی عیسی اطمینان داشته باشید

او شما را با روح القدس مسح کرده است. شما او را می شناسید و از حقیقت آگاهی دارید.

شما نماینده او در جهان هستید

با این دو اصل چه باید کنیم؟

و 27 آمده است. در پسر بمانید. در 24-25 v پاسخ را در اصل سوم میابیم که در پدر بمانید؛ در مسح بمانید» (آیه ها را بخوانید)

آنچه مهم است این است که ما در مسیح بمانیم. که تسلیم نشویم و به بیراهه نرویم این یکی از آزمایش‌های یوحنا برای رهبران مسیحی است - اینکه آنها برخلاف کسانی که تسلیم شده‌اند و مسیح را ترک کرده‌اند، به راه خود ادامه می‌دهند (آیه ی ۱۹ را مطالعه کنید).

یوحنا به ما در برابر معلمان دروغین هشدار می‌دهد و در آیه ی ۲۷، وقتی می‌گوید به کسی نیاز ندارید که به شما بیاموزد، منظورش این نیست که نیازی به افرادی ندارید که به شما در درک کتاب مقدس کمک کنند

بلکه کلام او به این معنی است که شما به کسی نیاز ندارید که دانش یا بینش معنوی جدید و خاصی را به شما ارائه دهد

تنها چیزی که شما نیاز دارید کتاب مقدس و انجیل خداوند عیسی است، این حقیقتی است که می‌دانید همانطور که در آیه ی ۲۱ میبینید. این انجیلی است که هنگام ایمان آوردن آن را شنیدید. و تمامی این چیزها با مسح روح القدس بر قلب شما مهر خواهد شد

بنابراین، در این چیزها بمانید - در عیسی بمانید

چیز جدیدی برای دانستن وجود ندارد، اما همیشه موقعیت های جدیدی برای یادگیری و یاد آوری مجدد، زندگی کردن و به کار بردن آنچه می‌دانید وجود دارد

گاهی اوقات با خود فکر میکنم که قرار گرفتن در موقعیت جدید مثل بودن در یک قایق کوچک در دریاها ناسناخته است که آن قایق کوچک با امواج بزرگ برخورد میکند

اما در موقعیت های جدید، زمانی که از عمق درونی خود فاصله میگیرم آموزه های ... ، قبلی خود را بیشتر و بهتر میفهمم

من درک تازه ای از عمق گناه خودم دارم

یادآوری وحشتناک به بت پرست بودن من (پرستیدن هر چیزی غیر از مسیح و خدای پدر)

تجربه ای فروتنانه از ضعف بودن نیروی خودم .

و من (دوباره) با حماقت مطلق خودم مواجه می‌شوم. و مجددا باید تصمیم بگیرم که پایبند مسیح باشم

برای ماندن در عیسی باید این تصمیم را بگیرم

برای ماندن در تعلیم آسمانی او - یعنی همان کتاب مقدس

به معلم آسمانی خود که مسیح به من داده است - یعنی روح القدس وابسته باشم

این مهم نیست که به آنچه می‌دانید پایبند باشید، بلکه رعایت کردن آن چیز مهم

است. « [یادم نیست چه کسی این را گفته است!]

مقابله با انسان های شیاد (22-23, 26) 2.

این جنبه تلنگری است برای مسیحیان تا در ایمانشان تابید بشوند

یوحنا آزمایش ساده ای ارائه می دهد که ما را قادر می سازد دجال ها را شناسایی کرده و با آنها مقابله کنیم.
و این آزمایش را در این سوال می توانیم ببینیم
آنها در مورد عیسی چه اعتقادی دارند؟:

(اولاً، انسان های شیاد انکار می کنند که عیسی مسیح، نجات دهنده-پادشاه است (آیه ی ۲۲ را بخوانید).

آنها به معنای واقعی کلمه، ضد مسیح هستند.

یوحنا آشکارا در مورد اینکه آنها دروغ می گویند سخن می گوید. و طبق یوحنا 7 تا هر دروغی از پدر دروغ، یعنی شیطان به وجود می آید، 44،

ثانیاً، انسان های شیاد انکار می کنند که عیسی پسر خدا است، (آیه ی ۲۳ را بخوانید).

و این یک دروغ دیگر است! یک دروغ وحشتناک زیرا اگر عیسی مسیح پسر خدا نیست، پس هیچ دسترسی به پدر وجود ندارد. که این امری هولناک است زیرا تنها پسر است که پدر را برای ما آشکار می کند و تنها پسر است که ما را با پدر آشتی می دهد.

انکار کردن اینکه عیسی، همان مسیح، پسر خدا است، نتیجه ی منفی بیشتر و پیامدهای گسترده تری دارد.

این بدان معنی است که ما همچنین انکار می کنیم که خدا عشق است، (اول یوحنا 4-8-9 را بخوانید). و هنگامی که عشق بودن خدا را انکار کردیم، لطف، رحمت و خوبی خدا را نیز انکار می کنیم.

ما باید این را مشخص کنیم و واضح نشان بدهیم که در همچین چیزی، شیادی و تقلب وجود دارد.

ما نباید در رابطه با این امر ساده باشیم زیرا تشخیص شیادی و تقلب آسان نیست بلکه فریبنده "هم هستند. اما 22-23 این را به ما می گوید که ما می توانیم این دروغ هارا" را تشخیص بدهیم.

نتیجه: ایده ی دجال؛ ایده ی بسیار جالب و جذابی است.

در طول قرن ها، مسیحیان زمان زیادی را صرف کرده اند تا بتوانند حدس بزنند که دجال میتواند چه کسی باشد.

اما بزرگترین نگرانی کتاب مقدس/یوحنا این است که مسیحیان در مواجهه با مخالفت ها به حرکت اشتباه خود ادامه می دهند، به ویژه زمانی که این اشخاص همان مسیحیانی

هستند که ما آنها را دوست داشته‌ایم، به آنها احترام گذاشته‌ایم و به آنها اعتماد کرده‌ایم که شکست خورده و به بیراهه رفته‌اند. آنچه مهم است این است که خودمان در مسیح بمانیم. و اینکه ما تسلیم نشویم یا به بیراهه نرویم.

جی سی رایل، راهب اول لیورپول، این را می‌گوید: "ماندن در مسیح به معنای حفظ عادت ارتباط نزدیک و مداوم با او است - همیشه به او تکیه کنیم، بر او تکیه کنیم، قلب خود را به سوی او بریزیم و از او استفاده کنیم. به عنوان چشمه حیات و قدرت ما، به عنوان همراه اصلی و بهترین دوست ما.

ماندگاری سخنان او در ما، این است که گفته‌ها و دستورات او را مدام در ذهن و خاطرات خود نگه داریم و آنها را راهنمای اعمال خود و قانون رفتار و کردار روزانه «خود قرار دهیم»